یادداشت

ترامپ و ایران

محمد روحی صفت،

پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در مقایسه با انتخاب «هیلاری کلینتون» به عنوان رئیس‌جمهور، دارای منافعی برای ایران است. این اتفاق غیرمنتظره، می‌تواند تحول بزرگی در سیاست خارجی آمریکا در پی داشته باشد. چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، به‌عنوان نامزد جمهوری‌خواهان در این انتخابات حاضر شد؛ اما نباید فراموش کرد دونالد ترامپ، بدون اجماع در حزب و به صورت مستقل، وارد انتخابات شد. با توجه به اینکه ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی از تغییرات اساسی در آمریکا سخن گفته بود، بنابراین باید دید در انتظار تغییرات عمده در داخل و سیاست خارجی این کشور نشسته است؛ مثلا ترامپ از کمک‌های ایالات متحده به ناتو انتقاد کرده بود، یا اینکه گفته بود اعراب، بدون اجماع در حزب و به صورت مستقل، وارد انتخابات شد. با توجه به اینکه ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی از تغییرات اساسی در آمریکا سخن گفته بود، بنابراین باید دید در انتظار تغییرات عمده در داخل و سیاست خارجی این کشور نشسته است؛ مثلا ترامپ از کمک‌های ایالات متحده به ناتو انتقاد کرده بود، یا اینکه گفته بود اعراب، کروجنوبی و ژاپن باید برای تامین امنیت خود، متکی بر خودشان باشند. دامنه تغییرات سیاست خارجی آمریکا در زمان ترامپ، به ما هم خواهد رسید. البته سیاست‌های ترامپ در مقابل هیلاری کلینتون، برای جمهوری اسلامی به مراتب کم‌خطرتر خواهد بود؛ چرا که کلینتون با احزاب مختلف در اسرائیل روابط حسنه داشته و پول‌های هنگفتی از عربستان و قطر گرفته بود. او بارها اعلام کرده بود به دنبال طرح منطقه پولارمنوع در سوریه است. این روزها این سؤال مطرح است که سیاست‌های ترامپ در مقابل ایران چگونه خواهد بود و ما در مقابل، باید چطور رفتار کنیم؟ این سیاست‌های هیلاری کلینتون و نزدیکی وی به صهیونیست‌ها و سعودی‌ها در حالی است که ترامپ جنبش ریوکردی ندارد و برهمین‌اساس، می‌توان گفت سیاست‌های رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده برای ایران، به مراتب کم‌هزینه‌تر خواهد بود. باید به‌ویژه در ابتدای فعالیت ترامپ در کاخ سفید، رفتار خود در منطقه را به آرامی و دقت، تنظیم کنیم؛ چراکه پس از آن، ترامپ به اندازه‌ای با مشکلات داخلی آمریکا درگیر خواهد شد که فرصتی برای ایجاد مشکل در سیاست خارجی این کشور باقی نخواهد داشت. به‌هرحال آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در ۳۰ - ۴۰ سال اخیر، از مسائل قانون اساسی این دور شده بود. آنهایی که در آمریکا به ترامپ رأی دادند، آمریکایی‌های اصیل بودند و مهاجران و سیاه‌پوستان نیز کروه آنها را به قدرت رساندند. آمریکایی‌ها در مقابله با اروپایی‌ها، ادعهایی مذهبی هستند. اتفاقات اخیر در این کشور مانند آزادشدن همجنس‌گرایی، آزادی استفاده از مواد مخدر در برخی ایالت‌های این کشور و قانون آزادی سلاح جنین، باعث شده مردم این کشور خواهان ایجاد تغییرات اساسی در قانون‌گذاری‌ها و رویکردهای این کشور بشوند. از سوی دیگر، اکروپ جورج بوش جمهوری‌خواه، امروز رای سفید به صندوق انداخت. جورج بوش پدر به هیلاری کلینتون رأی داد و رئیس جمهوری‌خواه سنا مدت‌هاست اسمی از ترامپ نمی‌برد؛ اما رئیس‌جمهور جدید آمریکا توانست جوانان خواهان تغییر را با خود همراه کند و در نهایت با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، پیروز انتخابات لقب بگیرد. به‌هرحال، هیلاری کلینتون با مردم آمریکا آن‌طورکه باید، صادق عمل نکرده و مرتکب اقداماتی شده بود که به نظر می‌رسد بر همین اساس مردم آمریکا به او اعتماد کافی نداشتند؛ موضوعاتی مانند به‌وجودآوردن داعش در کتاب خاطراتش به آن اشاره کرده است. مسئله‌ای که به معضلی برای آمریکایی‌ها تبدیل شده و آنها مجبورند با آن مقابله کنند. بی‌تردید ایران با ترامپ جمهوری‌خواه نسبت به هیلاری دموکرات، مشکل کمتری پیدا خواهد کرد. تجربه نیز نشان می‌دهد، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، ما با جمهوری‌خواهان مشکلات کمتری داشته و در برخی مسائل، به‌راحتی به اینها آنکار آمده‌ایم. ترامپ برای ایجاد اصلاحات مدنظر خود در آمریکا و خارج از این کشور، با مشکلاتی مواجه خواهد شد که منطقه خاورمیانه را از اولویت خود خارج خواهد کرد. درعین‌حال، انتخاب ترامپ قطعا به نفع اسرائیل و کشورهایی مانند عربستان و قطر نخواهد بود؛ چراکه آنها پیش از این، کمک به کمپین هیلاری را در دستور کار قرار داده بودند و این مسئله‌ای نیست که از چشم ترامپ دور نمانده باشد.

ادامه از صفحه اول

چرایی پیروزی دونالد ترامپ

ترامپ خطاب به مردم می‌گفت من برای شما کار ایجاد می‌کنم که بتوانید زندگی آرامی داشته باشید و به تعطیلات آخر هفته بروید. من کاری می‌کنم که زیرساخت جاده‌ها، پل‌ها و اتوبان‌های ما از نو ساخته شود و این کاری است که باعث رفاه مراجعان غیرقانونی شود. وقتی مانع حضور کارگران فصلی مکزیکی شود، یعنی ۱۱ میلیون فرصت شغلی، این شعار برای رای‌دهنده آمریکایی که سال‌ها شاهد ازدست‌رفتن شغل خود شده بود و می‌دید کارگران مکزیکی و دیگر کارگران غیرآمریکایی فرصت‌های شغلی او را تصاحب و او را بی‌کار کرده‌اند، باعث می‌شد با بغض به هیات حاکمه خود نگاه کند. تفاوت ترامپ با کلینتون در همین توضیح ساده به خیل عظیم آمریکاییانی است که مشاغل خود را از دست داده‌اند. خیلی ساده خطاب به سرمایه‌دارانی که کارخانجات خود را به دیگر کشورها منتقل کرده و مصنوعات آن را به داخل آمریکا می‌آورند. گفت باید تعرفه‌ای ۳۰۰ درصدی یا ۳۵۰ درصدی بیوارید یا کارخانجات خود را به آمریکا منتقل کنید. انتقال این چنین رویکردی نداد و برهمین‌اساس، می‌توان گفت سیاست‌های رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده برای ایران، به مراتب کم‌هزینه‌تر خواهد بود. باید به‌ویژه در ابتدای فعالیت ترامپ در کاخ سفید، رفتار خود در منطقه را به آرامی و دقت، تنظیم کنیم؛ چراکه پس از آن، ترامپ به اندازه‌ای با مشکلات داخلی آمریکا درگیر خواهد شد که فرصتی برای ایجاد مشکل در سیاست خارجی این کشور باقی نخواهد داشت. به‌هرحال آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در ۳۰ - ۴۰ اخیر، از مسائل قانون اساسی این دور شده بود. آنهایی که در آمریکا به ترامپ رأی دادند، آمریکایی‌های اصیل بودند و مهاجران و سیاه‌پوستان نیز کروه آنها را به قدرت رساندند. آمریکایی‌ها در مقابله با اروپایی‌ها، ادعهایی مذهبی هستند. اتفاقات اخیر در این کشور مانند آزادشدن همجنس‌گرایی، آزادی استفاده از مواد مخدر در برخی ایالت‌های این کشور و قانون آزادی سلاح جنین، باعث شده مردم این کشور خواهان ایجاد تغییرات اساسی در قانون‌گذاری‌ها و رویکردهای این کشور بشوند. از سوی دیگر، اکروپ جورج بوش جمهوری‌خواه، امروز رای سفید به صندوق انداخت. جورج بوش پدر به هیلاری کلینتون رأی داد و رئیس جمهوری‌خواه سنا مدت‌هاست اسمی از ترامپ نمی‌برد؛ اما رئیس‌جمهور جدید آمریکا توانست جوانان خواهان تغییر را با خود همراه کند و در نهایت با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، پیروز انتخابات لقب بگیرد. به‌هرحال، هیلاری کلینتون با مردم آمریکا آن‌طورکه باید، صادق عمل نکرده و مرتکب اقداماتی شده بود که به نظر می‌رسد بر همین اساس مردم آمریکا به او اعتماد کافی نداشتند؛ موضوعاتی مانند به‌وجودآوردن داعش در کتاب خاطراتش به آن اشاره کرده است. مسئله‌ای که به معضلی برای آمریکایی‌ها تبدیل شده و آنها مجبورند با آن مقابله کنند. بی‌تردید ایران با ترامپ جمهوری‌خواه نسبت به هیلاری دموکرات، مشکل کمتری پیدا خواهد کرد. تجربه نیز نشان می‌دهد، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، ما با جمهوری‌خواهان مشکلات کمتری داشته و در برخی مسائل، به‌راحتی به اینها آنکار آمده‌ایم. ترامپ برای ایجاد اصلاحات مدنظر خود در آمریکا و خارج از این کشور، با مشکلاتی مواجه خواهد شد که منطقه خاورمیانه را از اولویت خود خارج خواهد کرد. درعین‌حال، انتخاب ترامپ قطعا به نفع اسرائیل و کشورهایی مانند عربستان و قطر نخواهد بود؛ چراکه آنها پیش از این، کمک به کمپین هیلاری را در دستور کار قرار داده بودند و این مسئله‌ای نیست که از چشم ترامپ دور نمانده باشد.

ادامه از صفحه اول

مطالبات ملی از مجرای مطالبات منطقه‌ای

به دیگر سخن امر خونی که یک امر مادی و فیزیکی بود، به یک امر زنانی که امر صرفا اخلاقی و فرهنگی است، تبدیل شده است. پس امروز امر قومی را باید به‌مثابه امر زنانی و شهری تحلیل کرد، نه به‌مثابه امر قومی قبیله‌ای و قدیمی و مادی.

در یک دسته‌بندی کلی از زنان‌های ایرانی، ما عملا با چهار دسته زنان در ایران مواجه هستیم: ۱- زنان ملی و رسمی که زنان فارسی است. ۲- زنان مذهبی که زنان عربی است و سایر مذاهب و اقوام ایرانی غیرفارسی هستند چرا و دارند. ۳- زنان‌های اقوام ایرانی از قبیل ترکی، آذری، کردی، بلوچی، ترکمنی، عربی، لری و... ۴- زنان‌ها و لهجه‌ها و گویش‌های محلی ایران.

به‌طورکلی هر زنانی از ترکیب «سه نظام» معنایی و نشانه‌ای و داوری سامان یافته است. زنان‌های ایرانی اعم از ملی و قومی به یک جهت بودن در فضای ایرانی و داشتن تاریخ مشترک، دارای ساختار معنایی و فضای داوری مشترکی هستند. هرچند از بُعد نشانه‌ای (دالی) متفاوت هستند و همه زنان‌های ایرانی در برساخت زندگی شهری و کلان‌شهری و دولت - ملت و تجدد ایرانی تجربه معنایی و داوری نسبتا مشترکی را زیسته‌اند. در نتیجه ما امروز در ایران با یک نوع اعتام زنانی و شناختی و اجتماعی مواجه هستیم، نه با کست و تضاد. به دیگر سخن امروز هویت ملی ما اعم در زنان و با زنان و بیشتر تابع ساختارهای معنایی و ساختارهای آگاهی همه زنان‌های ایرانی است که در «ساخت تجربه زیسته» همگانی شکل گرفته است.

ایران‌پرور بخش مهمی از هویت ملی ایران در ادبیات و شعر و موسیقی و هنر اقوام ایرانی تولید و بازتولید شده یا حداقل در آنها بازتاب و انعکاس یافته است. در نتیجه هرکدام از زن‌های قومی ایران ساحتی از هویت ملی ایران و ادامه و تکمله زنان ملی و زنان فارسی هستند، حتی هیچ‌کدام از زنان‌های ایرانی (جز عربی) خط مستقل هم ندارند، بلکه بخشی از خط فارسی‌اند. به این جهت همه زنان‌های ایرانی اعم از زنان‌های قومی و مذهبی و محلی یک فرصت پایان‌ناپذیر برای زنان فارسی هستند، نه چنان‌که گاهی تصور می‌شود، تهدیدی برای زنان ملی باشند.

دوم: اما بسامگ کوتاه به پرسش چرا اصولا دسکاهی از دولت (در معنای عام) جنین فراکسیونی را ایجاد کرده است؟ من این کار مجلس را صورت دیگری از دخالت دولت در جامعه می‌بینم که دولت همواره در دو جبهه گذشته به شکل‌های مختلف خود را محق دانسته در جامعه و زندگی مردم مداخله کند. دولت در علم، فرهنگ، هنر، زندگی، فراغت، پوشش، خانواده و ازدواج مداخله و داوری می‌کند و این مداخله و داوری از باب بسط و تدام گفتمان سیاسی خویش است، اما باید دانست این عمل دولت ناداننانه امکان ظهور گفتمان‌های رقیب را در جامعه فراهم کرده است و کاهی احساس می‌شود به‌نوعی هویت‌گرایی غیریت‌ساز (بیگانه‌ساز) در مقابل هویت‌گرایی یکانه‌ساز دست زده شده است. این هویت‌گرایی نوعی غیریت‌سازی است و ربطی به منطق اجتماعی و تاریخی زنان سکرّ آذری ندارد. چون هویت‌گرایی مهم اقوام ایرانی چیزی عنصر، زبان‌محور، تکنرگرا، سازگار، مدارگرا و عقلانی است که در زیست شهری و کلان‌شهری سامان می‌یابد و برحسب منطق تاریخی و زبانی، دیگری و رقیب زنان‌های اقوام ایرانی زنان فارسی نیست. ازاین‌رو تشکیل فراکسیون ترک‌زنان در پارلمان کشور ضمن اینکه به صورت سلبی و ایجابی به بسط ایدئولوژی‌ها در جامعه منجر می‌شود، درعین‌حال تشکیل این فراکسیون روی دیگر سکه‌ای است که از آن به مداخله دولت در جامعه تعبیر می‌کنم که فرجام آن تبدیل‌کردن امر اجتماعی به امر سیاسی و ایدئولوژیک است.

سوم: اما باسخ مجلس و دولت و خصوصا پاسخ مجلس به مطالبات اقوام ایرانی و زنان‌های ایرانی چه می‌تواند باشد؟

درواقع کاهی بسته‌بودن راه تشکل‌های مدنی و اجتماعی، راه تشکل‌های قومی را باز می‌کند. این رفتار که امروز دیده می‌شود، پیامد فشار سیاسی است که به گفته دکتر جواد میری در تهران مرکز ایران به صورت مطالباتی مانند طلب حکومت قانون و دموکراسی و عدالت و حق شهروندی ظهور می‌کند و در دور از مرکز و شهرهایی که اکثر کویشگران آنها زنان‌های قومی هستند، در قالب مطالبات منطقه‌ای ظهور کرده است. نگارنده در باطن این مطالبات فعلی، نوعی اعتراض به یکسان‌سازی فرهنگی می‌بینم و اگر این مسائله حل نشود، عملا بخش درخور توجهی از کنش‌های اعتراضی نیز از میان خواهند رفت؛ چون این فعالیت‌ها بدیل فعالیت‌های مدنی و نهادهای مدنی و اجتماعی بتوانند به سهولت و بدون هزینه فعالیت کنند. بخش مهمی از مطالبات قومی به جایگاه اصلی خود برخواهند کشت و کشنگران اقوام نیز معقول‌تر و عاءتر و ملی‌تر عمل خواهند کرد. ازاین‌رو مناسب است نمایندگان مجلس شورای اسلامی جدا و آشکارا فعالیت پارلمانی و تقنینی خود را به‌درستی در مسیر تحقق حکومت قانون و دموکراسی و عدالت و حق شهروندی ازیک‌سو و آسوی‌دیگر زدودن تبعیض و محدودیت‌ها و نابرابری‌ها قرار دهند و بجد در این مسیر بکوشند تا رای‌دهندکان آنها صادقانه آن را احساس کنند و در ذیل آن به مطالبات منطقه‌ای نیز پاسخ داده باشند؛ زیرا چنانکه در بالا بحث کردم بخش اعظم مطالباتی که امروز تحت عنوان مطالبات منطقه‌ای ظهور کرده است، در اساس مطالبات ملی هستند که از مجرای مطالبات محلی سر بیرون آورده است.

چهارم: در شرایط کنونی حداقل دو تعریف از وحدت ملی و هویت ملی در ذهن و زبان ما ظهور کرده است؛ یکی وحدت و هویت به مثابه امری واحد و انعکاک‌ناپذیر و تاکید بر یکسان‌سازی فرهنگی و ایدئولوژیکی است؛ این تعریف را دیدگاه مسلط و رسمی (در معنای عام) نمایندکی می‌کنند و دیگری وحدت و هویت به مثابه امری ترکیبی و متکثر و منعطف و انتفاکرا و درعین‌حال سازکار است؛ از وضعیت واقعی جامعه و تاریخ این برآمده است. در واقع معنای نهفته در پشت تعریف اول آن است که معیار و ضابطه وحدت ملی و هویت ملی فقط همسویی بی‌کم‌وکاست با دولت است؛ ولی باید توجه کرد اعتراض به دولت و نقد دولت به معنی تعارض با وحدت ملی و هویت ملی نیست، بلکه خود ملی تابع ساختارهای معنایی و ساختارهای آگاهی همه کروه‌ها و زنان‌های ایرانی است که در ساخت تجربه زیسته مشترک همه کروه‌ها و افکار و زنان‌های ایرانی شکل کرفته است و درامین‌حال فقط منازعات میان قومی و جنک داخلی اقوام ایرانی می‌تواند مخالف وحدت و هویت ملی باشد؛ اما در تاریخ ایران هیچ‌وقت اقوام ایرانی جنک میان قومی نداشته‌اند، ولی معمولا منتقد جریان رفتارهای دولت مرکزی بوده‌اند.

شیوه مواجهه با دوران گذار

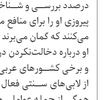

رضا نصری
حقوق‌دان بین‌المللی

یک برآورد راهبردی و حس نیاز او به ایجاد تغییر در کیفیت رابطه میان واشنگتن و ریاض نبوده است. بلکه لحن تند او علیه عربستان سعودی صریحا یک واکنش تبلیغاتی در برابر فاش‌شدن خبر کمک مالی عربستان سعودی به «بنیاد کلینتون» بوده و موضع به‌ظاهر متوقی او علیه عربستان سعودی - پیش از اینکه نویدبخش دگردیسی ژئواستراتژیک باشد - کارکرد انتخاباتی داشته است.

درهرحال، اتفاق مهمی است. این است دومین دونالد ترامپ سرآغاز یک دوران گذار است که می‌تواند هم برای ایران مثبت باشد و هم می‌تواند به شدت برای منافع و امنیت ملی ما دردسرساز شود. نشانه‌های اولیه این دوران جدید هم چندان مثبت نیست.

اقدامات اولیه دونالد ترامپ - از قبیل دعوت نتانیاهو به واشنگتن در روز نخست پیروزی‌اش، تشکیل احتمالی کابینه او با مشارکت تندروترین و ضدایرانی‌ترین اعضای طیف افراطی حزب جمهوری‌خواه که بعضا در سال‌های گذشته از لابیست‌ها و حقوق‌بگیران سازمان تروریستی رجوی در واشنگتن بوده‌اند (مانند نیوت گینگریچ، رودی جولیانی، جان بولتون، فرانک گفنی، ولید فارس، رایان کوپر و سارا پیلین)، طرح اتهام «نقض مکرر برجام» از جانب این برکی از تازه‌ترین اعلامیه‌های منتشرشده از سوی تیم انتخاباتی او و همچنین تسلط حزب جمهوری‌خواه و مخالفان ایران بر هر دو مجلسین نمایندکان و سنای آمریکا - مواردی هستند که از آغاز دوران سیار سخت و پرچالشی برای همراه خواهد ساز.

درواقع، همان‌طور که ذکر شد، تحلیل کلی درباره سود و زیان پیروزی دونالد ترامپ هرچه باشد، حقیقت این است که در دوران گذار قرار کرفته‌ایم و در وهله اول، مهم‌ترین ضرورت فعلی ایران فهم درک و درست و دقیق از این دوران گذار است. با این مقدمه، طرح سه نکته مهم در مورد شیوه آمادکی ایران برای مواجهه با این دوران جدید ضروری به نظر می‌رسد:

اول اینکه در این برهه زمانی و در این دوران پرمخاطره گذار، حفظ و تقویت دستگاه دیپلماسی کنونی - که مهم‌ترین شاخصه و پویش‌اش تخصص و کاردانی است - امری مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. فضای ناشناخته و پر از ابهام پیش‌رو دیگر مجال «سعی و خطا» نمی‌دهد. چراکه در این مقطع خاص و با این دولت ویژه آمریکا که با هراتیجه در ۲۰ سال کذشته تجربه کرده‌ایم متفاوت است، هزینه «خطا» ممکن است برکشت‌ناپذیر و غیرقابل جبران باشد. درک و تحلیل فضای کنونی - و متعاقبا مدیریت آن - مستلزم تدوام زمامداری افرادی است که قادر باشند - به درستی از شاررذکی، بینانه‌خوانی و اقدامات واکنشی و نمایشی - با مثبت نیست.

اقدامات اولیه دونالد ترامپ - از قبیل دعوت نتانیاهو به واشنگتن در روز نخست پیروزی‌اش، تشکیل احتمالی کابینه او با مشارکت تندروترین و ضدایرانی‌ترین اعضای طیف افراطی حزب جمهوری‌خواه که بعضا در سال‌های کذشته از لابیست‌ها و حقوق‌بکیران سازمان تروریستی رجوی در واشنگتن بوده‌اند (مانند نیوت کینگریچ، رودی جولیانی، جان بولتون، فرانک گفنی، ولید فارس، رایان کوپر و سارا پیلین)، طرح اتهام «نقض مکرر برجام» از جانب این برکی از تازه‌ترین اعلامیه‌های منتشرشده از سوی تیم انتخاباتی او و همچنین تسلط حزب جمهوری‌خواه و مخالفان ایران بر هر دو مجلسین نمایندکان و سنای آمریکا - مواردی هستند که از آغاز دوران سیار سخت و پرچالشی برای همراه خواهد ساز.

در نتیجه، اولین ضرورت، برهیز از وسوسه ایجاد تغییر در نظام تصمیم‌کیری دستگاه سیاست خارجه ایران به منظور «مقابله به مثل» با دولت جدید آمریکاست.

دوم اینکه - در این مقطع حاص، هر اقدامی که با انکیزه بهره‌برداری جناحی - در داخل یا امتیازکیری در خارج از کشور، روند «امنیتی‌سازی» ایران را تسریع کند، وجهه مثبت ایران را مخدوش کند، راه را برای تقویت و توجیع کفتمان «ایران‌هراسی» و بهره‌برداری‌های متعاقب آن هموار و بالطبع شکل‌کیری ائتلاف‌ها و همکاری‌های راهبردی و ضروری با سایر کشورها را با مانع مواجه کند، بدون شک هزینه‌های سنکین و مهمی برای کشور به همراه خواهد داشت.

از طرف دیکر، هر اقدامی که بر عقلانیت ایران به‌عنوان یک بازیکر سازنده و قانونمند بین‌المللی صحه بکذارد، هر اقدامی که کفتمان «امنیتی» و «سنجه‌جویانه علیه ایران را در فضای بین‌المللی بی‌اعتبار کند، هر اقدامی که بر ثبات سیاسی و مشروعیت مردمی نظام سیاسی کشور صحه بکذارد و هر اقدامی که افکار عمومی جهان را به مانعی بر سر راه ستیزه‌جویی‌های دولت جدید آمریکا بیوشد. ایران به‌ویژه در مذاکرات با ۵+۱ در دولت روحانی نشان داد ازکی با سیاست منطقی و متعادل نسبت به کشورهای منطقه و غرب برخوردار بوده و از دیکر سو غرب و به‌ویژه واشنکتن در بسیاری از مسائل خاورمیانه به‌ویژه سوریه و در مبارزه با تروریسم و خروج آن از منطقه با ایران همسویی و اشتراک مانع دارند.

رفتار تند دولت ترامپ علیه ایران نه‌تنها به امنیت کارساز نیست، بلکه فقط شرایط را در منطقه و کشورش سخت‌تر خواهد کرد. کزینه‌ورد نیاید جندان شعارهای انتخاباتی ترامپ را جدی کرفت. کزینه دولت اوباما نسبت به دولت‌های دیکر آمریکا سیاست معتدل و نرمی درباره مسائل خاورمیانه و به‌ویژه هسته‌ای ایران در پیش کرفته بود و از این جهت شاید بدیلی نداشته باشد؛ درعین‌حال نباید از نقش سایر کشورها و رابطه دوسانه ایران با آنها صرف‌نظر کرد. در مقطعی، آمریکایی‌ها توانستند اروپایان را در زمینه تحریم‌های هسته‌ای با هیچ همراه کنند؛ اما امروز اروپاییان تلاش می‌کنند مواضع خود را از اکنی ترامپ اسرائیل دور بکنند؛ به‌دنبال کشوری توانمند تولاش تلاش می‌کند ضمن استفاده از یورو، ارتباطات بانکی خود را بر خلاف تعهدات خود در برجام عمل کنند. به‌طور قطع به‌عنوان نقض‌کننده تعهدات شناخته نمی‌شود و حتما به ضرر خواهند کفت نباید اعتبار سیاسی آمریکا در جهان را به خطر بیندازد؛ از سویی به مصلحت این کشور نخواهد بود که تعهدات خود را نقض کند. ابزارهای حقوقی در نظام بین‌الملل در برابر ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت کارساز نیست، اما قطعا به مصلحت این کشور نیست که بخواهد تعهدات خود را نقض کند و اعتبارش را در نظام بین‌الملل به خطر بیندازد. درعین‌حال باید بدانیم مسئله ایران با شرایط خاورمیانه و مسائل سوریه و عراق کره خورده است. اکر سیاست خارجی ایران همچنان با تدبیر عمل کند به نظر می‌توان به شرایط امیدوار بود. ما درباره اوباما اشتباهاتی داشتیم و بخشی از فرصت خودمان را از خودمان کرفتیم؛ اکر بتوانیم خطمشی سیاسی در پیش کیریم، دست‌کم می‌توانیم مشکلات احتمالی پیش‌رو را تعدیل کنیم. به‌هرحال منافع ملی ایالات متحده ایجاب می‌کند به‌دنبال کشوری توانمند برای ارتباط باشد و ازاین‌رو نمی‌تواند از ظرفیت‌های ایران چشم‌پوشی کند و دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا نباشد. از طرفی دوباره به پارس سیاسی بازکشته است و بعید به‌نظر می‌رسد اروپا مانند کذشته دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا نباشد. علاوه بر این، کروه سال‌های خاورمیانه به‌ویژه سوریه و در مبارزه با تروریسم و خروج آن از منطقه با ایران همسویی و اشتراک مانع دارند.

عکس: مهدی حسنی

سیاست‌های آمریکا را نمی‌توان یکباره تغییر داد. ضمن اینکه ترامپ از مواضع سایر کشورهای جهان درباره ایران و توافق هسته‌ای هم آکاه خواهد شد. مشاوران وی به ترامپ خواهند کفت که توافق هسته‌ای از طریق قطع‌نامه‌ای از سوی شورای امنیت تایید شده و براساس آن، هفت قطع‌نامه تحریمی علیه ایران از بین رفته است

آنچه اهمیت دارد و ضروری است، این است که ایران بهانه‌ای به طرف مقابل ندهد. این بهانه نیز تنها درباره مسائل هسته‌ای نیست و مسائل دیکر را هم شامل می‌شود.

داوود هرمیداس‌باوند: من قبلا هم درباره ارجع‌بودن دو نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا برای ایران، نکاتی را در رسانه‌ها کفته‌ام؛ هریک از دو نامزد جمهوری‌خواه و دموکرات که به قدرت می‌رسیدند حتما نکرش خاص خود را به سیاست خارجی داشتند. حتما رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌تواند در سیاست‌های داخلی و همچنین سیاست خارجی این کشور تغییراتی به وجود آورد و تفاوت‌هایی هم با شیوه و رفتار دولت اوباما در این حوزه‌ها خواهد داشت؛ اما درباره اجرای برجام بسیار بعید است که دولتی در آمریکا به دموکرات و چه جمهوری‌خواه، توافق شش کشور با ایران را زیر پا بکذارد. مسائل تاریخی هم باید در آمریکا مورد بحث و بررسی قرار کیرد؛ به‌ویژه اوباما به سمت عدالت‌جوی پیش نرفت. درحال‌حاضر هم مسائل مالی ایالات متحده ایجاب می‌کند به‌دنبال کشوری توانمند برای ارتباط باشد و ازاین‌رو نمی‌تواند از ظرفیت‌های ایران چشم‌پوشی کند و دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا نباشد. از طرفی دوباره به پارس سیاسی بازکشته است و بعید به‌نظر می‌رسد اروپا مانند کذشته دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا نباشد. علاوه بر این، کروه سال‌های خاورمیانه به‌ویژه سوریه و در مبارزه با تروریسم و خروج آن از منطقه با ایران همسویی و اشتراک مانع دارند.

حبیب‌الله معظمی
محقق و مدرس دانشگاه

۸۰ نوامبر ۲۰۱۶، این تاریخ را باید به خاطر سپرد. از این روز بسیاریسار خواهی شنید. به‌دلیل اهمیتش، به‌دلیل رفض‌های (ارجاعات) بیشماری که می‌شود و خواهد شد، به‌دلیل تاریخی‌بودنش و به‌ویژه به‌دلیل خوراک تئوری‌ای که فراهم کرده است. این روز و خالق این روز یعنی، دونالد ترامپ، تصورات پیشین را راجع به حاکمان و حتی کسانی‌بودن آنها، تودها و حاکمان، آمریکایی‌بودن و... به هم ریخت. تصور شود آیا اگر هیلاری کلینتون اکنون رئیس‌جمهوری آمریکا می‌شد، این همه بازتاب داشت؟ اکنون ترامپ نقل مجالس سیاسی و رسانه‌ای جهان است. شکفتی و شوک انتخاب ترامپ به حدی بوده که شکفتی ناشی از راهیابی یک سیاه (به کاخ سفید) را کنار زده است؛ سیاهانی که تا ۵۰ سال پیش از بسیاری از حقوق مدنی در ایالت‌های متحده محروم بودند.

در نوشتن در باب و تحلیل ترامپ و انتخاب‌شدن نباید صرفا به محالخانه‌ها و تظاهراتی که به‌طور بی‌سابقه‌ای هنوز و هم‌اینک علیه او در آمریکا برپاست، با به این توصیه مایکل مور اکتفا کرد که کفته است باید با ریاست ترامپ مخالفت شود، بلکه باید به فروپاشی تصورات و پیش‌فرض‌هایی هم پرداخت که از منافذ سازمان سیاسی دموکراسی راه پیدا کرده‌اند.

نشانه‌های عینی در این سال‌ها پدیدار شده‌اند که حکومت مبتنی بر دموکراسی و دموکراسی‌لیبرال را با چالش‌هایی مواجه کرده‌اند که این چالش‌ها سوای نقدهای چنددهه‌ای اندیشمندان انتقادکرا و بیست‌مدن است. پیام برآمدن و ظهور پدیده‌های هجمون جولیان آساتژ (ویکی‌لیکس) و ادوارد اسنودن در حوزه رسانه- سیاست- حقوق ملت، چنین سازمان سیاسی و حکومتی را با همه دستاوردهایش، با چالش دروغ‌گویی، مخفی‌کاری، تظاهر در جلسوه عمومی، نقض حریم خصوصی، حتی ناکارآمدی و نظایر آنها و به‌طورکلی دورشدن از آن آرمان‌های نظری و قانون اساسی و منصوبات آن، مواجه کرده است. شاید به این دلیل است که این سخن اخیر که نهاد دولت را در آمریکا، «تشکیلات فاسد» دولتی خواند، آرا را به سوی او جلب کرده باشد. این سخن نکارنده نه که ایدئولوژیک و سیاسی، بلکه ناظر بر مباحث نظری و فلسفه سیاسی و حکومت‌داری دموکراسی‌لیبرال در جهت تکامل و شاید امکان از نو تجدیدی این نوع جامعه است.

در تاریخ سیاسی هیچ کشور دموکراتیک نمی‌توان یافت که رهبران احزاب آن کشور به‌طورمشترک مقابل کاندیدایی که به‌ویژه خاستکاهی از یکی از احزاب اصلی دارد، تمام‌قد بایستند، اما آن کاندیدا رای آورد. پیام پیروزی ترامپ فروپاشی سازماندهی و جایکاه حزب به سیاسی و رسانه‌ای جهان است. شکفتی و شوک انتخاب ترامپ به حدی بوده که شکفتی ناشی از راهیابی یک سیاه (به کاخ سفید) را کنار زده است؛ سیاهانی که تا ۵۰ سال پیش از بسیاری از حقوق مدنی در ایالت‌های متحده محروم بودند.

درواقع، امروز برجام هم سند حقانیت ایران، هم ابزار راهبردی ایران و هم حربه «ارتباط عمومی» کشور است و تعجیل در بی‌اثرخواندن آن یا تحریک به‌کنارکذاشتن آن - با هم انکیزه سیاسی، جناحی یا انتخاباتی‌ای که باشد - بزرکترین خطای محاسباتی است که می‌توان مرتکب شد.

به بیان دیکر، در عصری که آغاز می‌شود، برجام به‌مثابه برچمی است که می‌توان همواره در برابر تندروی‌ها و افراطی‌کری‌های احتمالی ترامپ برافراشت و از آن برای مشروع‌کردن آمریکا در صحنه بین‌المللی، مهار و خنثی‌کردن سیاست‌های دولت جدید و همراهان تندرو جمهوری‌خواهش در کنکره استفاده کرد. در نتیجه، تاکید بر پایبندی ایران به برجام و نمایش همدلی و انسجام ملی در پشتیبانی از این سند بین‌المللی، امری است که - بیش از هر زمان - ضروری و لازم به‌نظر می‌رسد.

نظرکارشناسان درباره ترامپ و ایران در گفت‌وگو با «شرق»

رفتار تند دولت ترامپ علیه ایران، به سود آمریکا نیست

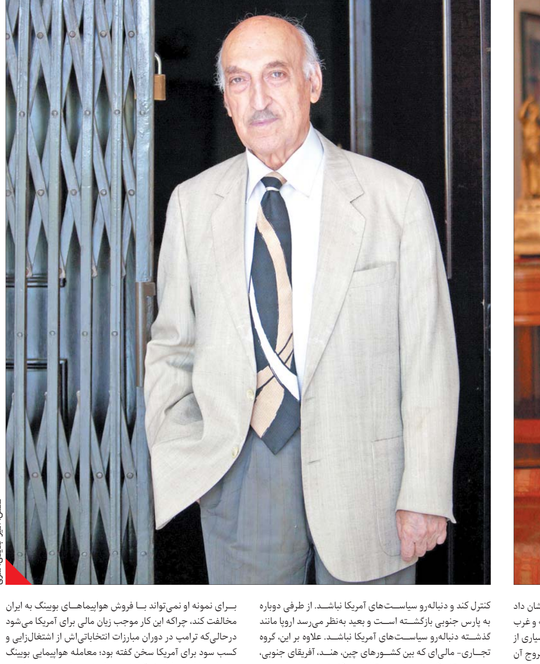

عکس: امیر جمشیدی شرق

شعارهای ضدایرانی کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا به صورت شعار و برای جذب آرای مردم آمریکاست و مصرف دیگری ندارد. در طول هشت سال گذشته بسیاری از دشمنان منطقه‌ای ایران مانند عربستان سعودی و اسرائیل، اوباما را برای مدارا با ایران تحت فشار قرار داده بودند

حسین سنکندان:

**ترامپ یک تاجر و اهل دادوستد است. معمولا این کروه از افراد به قراردادها اهمیت می‌دهند و قراردادی که بسته شده را یک‌طرفه به‌هم نمی‌زنند. او در بیکریز توافق با ایران سخت می‌کرد، اما به قرارداد پایبند است. او مشروعیت بین‌المللی لازم را ندارد و دنیا در مقابل او موضع دارد. اینها کزاره‌هایی بود که این روزها بارها شنیده شد. حتی می‌کفتند ماجرای کاندیداتوری ترامپ، همه را وحشت‌زده کرده و حتی بسیاری از جمهوری‌خواهان هم به هیلاری کلینتون رای می‌دهند؛ نه به‌این‌دلیل که هیلاری شخصیت مطلوبی است -که اتفاقا مخالفان بسیاری دارد- به‌این‌دلیل که ترامپ به خاطر مواضعی که علیه آمریکایی‌ها(نینی‌ها، زنان و مسلمانان مقیم آمریکا کرفته و حرف‌هایی که علیه مکزیک و کانادا زده است و... به عنوان شخصیت نامطلوب شناخته می‌شود. ازهمین‌رو برای آنکه او شروع می‌کند و ادامه عملیاتی‌شدن برجام را به دست خواهد کرفت و در اجرای آن و موضوعات